رویداد

در همایش ملی «نگاهی نو به زبان و ادب عامه» در مشهد بیان شد

فرهنگ مردم فراتر از سرگرمی است

عکس: جواد کرمانی | شهرآرا

غزاله حسین پورا| به نظر می‌رسد حوزه زبان و ادبیات عامه یا همان دانش فولکلور تا حدودی مغفول مانده است. جدی نگرفتن فرهنگ توده از سوی فرهیختگان از سویی و برخورداری ما از ادبیات فاخر و قدرتمند و گنجینه‌های گرانبهایی که پژوهشگران را به خود مشغول کرده است، از سوی دیگر، می‌تواند از عوامل این کم‌توجهی باشد. بااین‌همه، در پی تلاش‌هایی که در غرب شد، در ایران نیز کسانی چون میرزا حبیب اصفهانی و جمالزاده و هدایت و انجوی شیرازی اهمیت فرهنگی و علمی این دانش را دریافتند و پژوهش‌ها و نوشته‌هایی در زمینه آن عرضه کردند. پس از آن نیز کتاب‌ها و مقالاتی در این حوزه نوشته شد و می‌شود و حتی دانشگاه نیز آن را جدی گرفته است. همایش ملی «نگاهی نو به زبان و ادب عامه» که آخرین روز آبان‌ماه چهارمین دوره آن، به همت انجمن علمی معلمان زبان و ادبیات فارسی خراسان رضوی و خردسرای فردوسی، در دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد، اقدامی دیگر در راستای همین جدیت بود.

کوشش برای جبران غفلت

در این همایش، دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده، رئیس انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی ایران، توضیحاتی درباره پیشینه آن ارائه کرد. او با اشاره به فروگذاری صورت‌گرفته در زمینه زبان و ادب عامه گفت: برای اینکه بتوانیم این غفلت را جبران کنیم، به عنوان انجمن علمی استادان زبان و ادبیات فارسی سعی کردیم به مطالعات حوزه زبان و ادب عامه شکل دانشگاهی دهیم. ما گرایش زبان و ادبیات عامه را تعریف کردیم که در وزارت علوم تصویب شد. نخستین دوره آن نیز در دانشگاه تربیت مدرس، سپس در دیگر دانشگاه‌ها تدریس شد. بعدها مجله علمی‌پژوهشی راه‌اندازی کردیم که به سبب استقبال زیاد، از فصل‌نامه به دوماهنامه تغییر وضعیت داد. این همایش‌های سلسله‌وار نیز از اقدامات دیگر در این زمینه است. اولین دوره همایش در دانشگاه بوشهر، دومی در یاسوج، سومی در شهرکرد و چهارمی را در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار کردیم.

رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی برگزاری این‌گونه همایش‌ها را باعث رونق مطالعه در این حوزه -که با کمبود منابع و تحقیقات علمی روبه‌روست- و تولید مقالات علمی دانست.

باید مردم و فرهنگ را جدی گرفت

در ادامه، دکتر سید علی کرامتی‌مقدم، دبیر علمی این رویداد، گزارشی از روند آن خواند. او گفت: ما حدود ۲۰۰ مقاله دریافت کردیم که نویسندگان آن استادان دانشگاه، دانشجویان مقاطع تحصیلی ارشد و دکتری و کارکنان آموزش و پرورش هستند. ۲۴ مقاله را در کتاب مجموعه مقالات همایش با عنوان «کلید گنج سعادت» به چاپ رساندیم و باقی در نشریاتی چون فصلنامه‌های پاژ و پژوهش‌های ادبی و... منتشر خواهد شد.

دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی، رئیس پژوهشکده امیرکبیر جهاد دانشگاهی، دیگر سخنران برنامه بود. او با بیان اینکه ما در فرهنگ عامه در سطح بین‌المللی به دنبال دانشی هستیم که تبدیل به علم امروزی و تلفیقی از دانش بومی و مدرن باشد، از اهمیت توجه به آن دسته از دانش‌های ما گفت که در سطح بین‌المللی در حال نابودی است. پاپلی بزرگ‌ترین مشکل آموزش و پرورش و دانشگاه را در این دانست که هرکس از آن خارج می‌شود فکر می‌کند از دیگران بیشتر می‌فهمد و یادآور شد که مدیریت مدرنی که کپی‌برداری کرده‌ایم نتوانسته ما را به توسعه برساند.

این نویسنده و پژوهشگر با تأکید بر اینکه نباید فرهنگ عامه را مختص به ادبیات دانست، اضافه کرد: خواسته من این است که فرهنگ عامه به سیستمی با دانش‌ها و استادان مختلف تبدیل شود و افراد بی‌سواد اما بافرهنگ دعوت شوند تا به یاری آن‌ها بتوانیم راه زندگی گذشته را پیدا کنیم. امروزه چون فرهنگ خود را فراموش کرده‌ایم دچار انواع مشکلات هستیم. باید مردم و فرهنگ را جدی گرفت.

اضطراب از آینده فرهنگ

دکتر نعمت‌ا... فاضلی، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نیز صورت‌بندی مسئله مطالعات فرهنگ مردم در ایران معاصر را برآیند نهایی کارهایی برشمرد که در دوره معاصر انجام شده و دربردارنده مجموعه وسیعی از رنج و فقر و نابسامانی‌هاست.

او بنیادی‌ترین گفتمان حاکم بر جامعه ایران در ۵۰۰ سال اخیر را گفتمان تغییر دانست و گفت: در این گفتمان میل به تغییر بیشتر می‌شود. فرهنگ مردم، شیوه زندگی قومی و زبان عامه بخش مهمی از گفتمان تغییر است که پیوند فرهنگ مردم با آن ابعاد بسیاری دارد. هسته اصلی تئوریک این بحث، این است که در دوره معاصر با مفهومی به نام فرهنگ مردم مواجه می‌شویم. ما در دوره پیشامعاصر، با اینکه با این فرهنگ می‌زیستیم، نامی برای آن نداشتیم. فرهنگ به ابعادی تجزیه شده و بخشی از آن جدا شده است. این جدا شدن بخش وسیعی از زندگی در نتیجه تغییر است که نوعی بی‌قراری ایجاد می‌کند. این بی‌قراری برای انسان نوعی ایرانی، اضطراب مرگ فرهنگ است. به همین دلیل در بحث فرهنگ مردم آن چیزی که توجه ما را جلب می‌کند گذشته نیست، اضطراب از یک آینده و مرگ در انتظار ماست که نکند انسان ایرانی به پایان حیات خویش رسیده باشد.

فاضلی به بایستگی درک عمیق‌تر فرهنگ مردم تأکید کرد و توضیح داد: این مسئله فراتر از سرگرمی و گردآوری است. وظیفه‌ای که برعهده پژوهشگران فرهنگ و ادب عامه است، دست یافتن به تفسیری انتقادی از هستی‌شناسی تاریخی اکنون ماست. ما تا این لحظه شکست خورده‌ایم. به اعتقاد من خطای اول یک خطای سیاسی بود، زیرا تمام فرهنگ و فولکلور را به نمادها و نشانه‌هایی برای شکل دادن یک امر سیاسی تقلیل دادیم. در نتیجه انسان ایرانی در کلیت خود به حاشیه رانده شد. دومین خطایی که باعث شد مسئله فولکلور را به عنوان مسئله انسان ایرانی تاریخ اکنون نفهمیم، رویکرد کارکردگرایانه است. اینکه کلیت فرهنگ را به امر اقتصادی تقلیل دادیم. سومین خطا تعریف قلمرو فرهنگ به عنوان قلمروی مستقل و سرگرمی برای عده‌ای متخصص بود که آن را از بدنه زندگی اجتماعی جدا کردیم. ما نیاز به متفکران فلسفه و زبان‌شناس و تئوریسینی داریم که بتوانند به درکی عمیق‌تر از گردآوری فولکلور برسند. جهت‌گیری فرهنگ مردم بیش از آنکه معطوف به گذشته باشد، معطوف به آینده است. این حلقه گمشده فهم ما از فولکلور است. ما هم زمان و هم انسان را در فهم این مفهوم گم کرده‌ایم. فولکلور اگر می‌خواهد به فرهنگ ایرانی کمک کند، باید جای خود را در هستی‌شناسی معاصر بیابد و این امر مستلزم تفکر عمیق است.

فولکلور هرگز نمی‌میرد

ابهام‌زدایی از مفهوم دوگانه فولکلور، موضوعی بود که دکتر علی بلوکباشی، نویسنده و پژوهشگر حوزه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، در سخنانش به آن پرداخت. او تلاش در زمینه مطالعه فرهنگ عامه را در این دانست که بتوانیم راهی برای شناخت انسان پیدا کنیم. بلوکباشی ادامه داد: حدود ۱۷۰ سال از وضع اصطلاح فولکلور می‌گذرد. این اصطلاح ۲۵ سال قبل از تعریف نوین فرهنگ وضع شد. ما نیز در ایران ۷۰ سال پس از تولد این اصطلاح با آن آشنا شدیم. نخستین کسانی که با این دانش آشنایی پیدا کردند، ادیبانی چون میرزا حبیب اصفهانی، محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت و غلامرضا رشیدیاسمی بودند. آن‌ها چون فرهنگ غرب را می‌شناختند، با فولکلور محلی نیز آشنا شدند. هدایت نخستین کسی بود که در ایران دست به گردآوری این فولکلور زد. او در آغاز، اعتقادی به فرهنگ عامه نداشت و فرهنگ توده را اوهام و عقاید سخیفه می‌دانست. ولی رفته‌رفته نگاهش عوض شد و با خواندن آثار فرنگی تغییر عقیده داد. بعدها به فرهنگ عامه به عنوان گنجینه‌های ملی نگاه می‌کرد و این گنجینه‌های ملی را پرمایه‌تر از فولکلوری دانست که در سرزمین‌های غربی به ویژه فرانسه وجود داشت.

بلوکباشی بیان کرد: زمانی فولکلور در بریتانیا و کشورهای اروپایی جایگاه خاصی داشت. اما کم‌کم جایگاه خود را از دست داد و در بریتانیا انسان‌شناسی مطرح شد. برخلاف کشورهای اروپایی، در ایالات متحد آمریکا به فولکلور بسیار اعتبار دادند و آن را به عنوان علم دانشگاهی معرفی کردند و به سبب توجهشان به قانونمندی و نظریه‌پردازی، قلمرو مطالعات آن را محدود به هنر زبانی کردند.

این پژوهشگر اظهار کرد: فولکلور معنایی دوگانه دارد. هم به مواد و موضوعاتی که جمع می‌شود و هم به دانشی اطلاق می‌شود که این مواد را بررسی می‌کند.

به اعتقاد بلوکباشی، فولکلور هیچ‌گاه نمی‌میرد، بلکه در فرایند زمان بازتولید می‌شود. او ادب عامه را از گونه‌های هنر زبانی برشمرد که با اشکال مختلف آن می‌توان به خلقیات و شخصیت‌های فرهنگی انسان‌ها پی برد. این نویسنده تصریح کرد: یکی از اشکال مهم ادب عامه قصه است. قصه‌های هر ملت، محتوای همه اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری مردم آن است. مطالعات فولکلور باید طوری باشد تا انسان‌هایی را که حامل آن هستند، بشناسیم و نقش آن‌ها را در زندگی پیدا کنیم.

در پایان چهارمین همایش ملی «نگاهی نو به زبان و ادب عامه» از فعالیت‌های محسن میهن‌دوست، نویسنده و پژوهشگر مشهدی فرهنگ عامه، تقدیر شد.

گاه نما

روشن‌فکری علیه روشن‌فکران

به مناسبت زادروز جلال آل‌احمد

ایرانی| سرخوردگی و حواشی جذاب، ۲ رکن مهم در شهرت نویسنده‌ای به نام جلال آل‌احمد (۲ آذر ۱۳۰۲، ۱۳۴۸) است، یکی از نامدارترین نویسندگان معاصر ایران که البته این شهرت را تنها به یمن نویسندگی خود به دست نیاورده است. جلال روشن‌فکری است که به مثابه سردسته و پرچم‌داری نویسندگان و منورالفکرهای ایرانی را راهبری می‌کند اما خود سرخورده از این جریان است. او که در خانواده‌ای مذهبی و روحانی دیده به دنیا گشوده است، در آغاز جوانی با دیدگاه‌های جریان گریز سید احمد کسروی تبریزی و آیتا... محمدحسن شریعت سنگلجی آشنا می‌شود. از این ۲، یکی‌شان به‌رغم دانشی که در عرصه‌هایی از علوم انسانی همچون تاریخ و زبان‌شناسی -در معنای عام آن- داشت، در برابر شاخه‌هایی دیگر از این علوم همچون فلسفه و ادبیات و همچنین مذهب، تندروانه می‌تاخت. دومی نیز با وجود پوشیدن جامه روحانیت، مواضعی در برابر آنچه که خرافات و بدعت می‌دانست داشت. آشنایی با این ۲، تکانه‌ای در ذهن آل‌احمد جوان پدید می‌آورد که کارش را به عضویت در حزب توده می‌کشاند. هرچند او خود نیز به برخی باورهای همسو با سنت تردید پیدا کرده بود. حزب توده به عنوان حزبی که پیوندی تنگاتنگ با تاریخ روشن‌فکری ایرانی دارد، به جلال، مجال پیشرفت درون‌حزبی و رسیدن به مدارج بالا می‌دهد اما ذهن جست‌وجوگر او از این چپ‌گرایان ناامید می‌شود؛ جریانی که آشکارا سرسپرده شوروی بود. او در گرایش‌های متنوع عقیدتی خود به ملی‌گرایان نیز تمایل پیدا می‌کند اما درنهایت از آن‌ها نیز می‌بُرد و سیاست را، در ساحت فعالیت حزبی، به امان خدا رها می‌کند.

جلال در طی این سال‌ها و پس از آن، کتاب‌هایی با موضوعات و قالب‌های گوناگون -داستان، مقاله، سفرنامه، ترجمه- منتشر و جایگاه مهمی در میان روشن‌فکران و نویسندگان کشور برای خود دست‌وپا می‌کند. او در سال‌های پایانی عمر کوتاهش در کنار شماری از اهالی قلم، کانون نویسندگان ایران را به راه می‌اندازد و تلویحا به پدرخوانده ادبیات کشور تبدیل می‌شود. بااین‌حال جریان انتلکتوئل ایرانی نیز همچون جریان‌های عقیدتی و سیاسی، نمی‌تواند آقای نویسنده را به آرمان‌شهر دلخواه برساند. او نوشته‌هایی در نقد این جریان عرضه می‌کند که به رغم خدماتشان به آزاداندیشی دلبسته جهانی بیرون از داشته‌های خودی‌اند: «غربزدگی» و «در خدمت و خیانت روشن‌فکران».

اما افزون بر این سرخوردگی‌های پیاپی، حواشی‌ای نیز پیرامون زندگی آل‌احمد وجود دارد که نامش را بیش از هر چیز بر سر زبان‌ها انداخت. او اگرچه فعالیت‌های حزبی را رها کرده بود، در عمل از بیان دیدگاه‌های سیاسی و اتخاذ مواضع سیاسی کوتاه نیامد. این شخصیت فرهنگ معاصر ایران، همواره چونان روشنفکر و نویسنده‌ای متعهد نظراتش را ابراز می‌کرد و در این اظهار دیدگاه‌ها همان‌سان که روزی برخی سنت‌ها و جریان‌ها را نقد کرده بود، حکومت را به چالش می‌کشید. اسناد ساواک حاکی از برخی مواضع شفاهی سرسختانه او علیه رژیم پهلوی است. او در این مسیر حتی چونان سیاست‌بازان عدول از صداقت را نیز در کارنامه دارد.

حاشیه‌ها به بعد از مرگ او نیز کشیده شد که دراین‌باره می‌توان از برخی سیاست‌ها یاد کرد که در دهه‌های بعد او را به مثابه روشن‌فکری علیه روشن‌فکران برکشید و حتی جایزه ادبی به نامش راه انداخت. همچنین ماجرای نوشتن داستان یا خودزندگی‌نامه‌ای که به مشکل ناباروری او می‌پرداخت، و انتشارش در سال‌های پس از مرگ او، مسئله‌ساز شد. مرگی که فرامتن‌هایش آشنا بود؛ متهم شدن حکومت به قتل جلال آل‌احمد، که برادرش شمس از آن دم زد و همسرش سیمین دانشور آن را انکار کرد.

نوداد

ستایش نماینده مجلس ایتالیا از یک رمان ایرانی

احمد دهقان، نویسنده ایرانی، با یک نماینده مجلس نمایندگان ایتالیا دیدار کرد و درباره ترجمه ایتالیایی رمان دفاع مقدسی «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» به صحبت پرداخت.

بر پایه گزارش مهر، احمد دهقان، نویسنده رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، و میکله مارلی، مترجم این کتاب به زبان ایتالیایی، که به همراه افشین شحنه‌تبار، ناشر بین‌المللی این اثر، در تور معرفی آن در ایتالیا به سر می‌برند، روز چهارشنبه با لیا کوارتاپله، نماینده مجلس نمایندگان ایتالیا، دیدار کردند.

در این دیدار خانم لیلا کوارتاپله گفت: سال گذشته پس از انتشار کتاب به زبان ایتالیایی آن را خواندم و از همان موقع به میکله مارلی، مترجم کتاب، گفتم دوست دارم نویسنده آن را ببینم و خوشحالم که شرایط این ملاقات فراهم شد. خواندن این رمان ایرانی برایم لذت‌بخش و جالب بود؛ به‌ویژه اینکه رمان درباره یکی از حوادث تاریخ معاصر ایران بود.

این سیاستمدار ایتالیایی یکی از نکات شایان توجه رمان را حضور جنگ و زندگی در کنار هم دانست و از حضور توأمان زندگی در جنگ و زندگی روزمره در این رمان تمجید کرد.

نماینده مجلس ایتالیا همچنین با نویسنده درباره حضور جنگ در ذات انسان و موضوعات مختلف کتاب به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

جوان‌ها بیشتر از گذشته کتاب می‌خوانند

در ایران نیز مانند دیگر کشورها رمان‌هایی بیشتر فروش دارند که قصه‌گو و بدون پیچیدگی و دارای موضوعات عاطفی باشند. سهیل سمی، مترجم پرکار و مطرح، درباره وضعیت ذائقه و سلیقه مخاطبان ادبیات ترجمه در سال‌های اخیر به ایسنا گفته است: هنوز هم کتاب‌هایی هستند که در ایران فروش خیلی خوبی دارند، کتاب‌هایی که عامه مردم آن‌ها را می‌پسندند. آشنایی عامه مردم با آثاری که ارزش ادبی زیادی دارند، خیلی نیست چون تبلیغی برای آن‌ها نمی‌شود، بنابراین برخی رمان‌های قصه‌گو، ساده و سرراست که چاشنی عاطفی داشته باشند همچنان در ایران فروش خوبی دارند، البته در کشورهای دیگر هم چنین شرایطی وجود دارد. ولی فروش کتابی که کمی به کشف و شهود نیاز دارد و مستلزم پیش‌زمینه خاصی است و ادبیت دارد، چه در زمینه ترجمه و چه در تألیف، هنوز خیلی مورد استقبال قرار نگرفته است و کماکان در بر همان پاشنه می‌چرخد.

مترجم رمان‌هایی چون آثار مارگارت اتوود بااین‌حال معتقد است دنیای مجازی باعث شده است جوان‌ها بیشتر کتاب بخوانند. او می‌افزاید: در مجموع فکر می‌کنم اقبال به کتاب در مقایسه با چند سال قبل حتی با وجود گرانی کتاب بیشتر شده است و نسل جوان و دانشجوها بیشتر کتاب می‌خوانند.

نقد فیلم

فرشته عشق نداند که چیست

«سمفونی نهم»، ناکام در نشان‌دادن انسانیت

شریف شیرزاد| «سمفونی نهم» نهمین اثر سینمایی محمدرضا هنرمند است که کارگردانی چند فیلم و سریال مشهور و محبوب، ازجمله «دزد عروسک‌ها» (۱۳۶۸) و «مرد عوضی» (۱۳۷۶) و «مومیایی ۳» (۱۳۷۸) و «کاکتوس» (۱۳۷۷-۱۳۸۳) و «زیر تیغ» (۱۳۸۵) و «آشپزباشی» (۱۳۸۸)، را در کارنامه دارد، آثاری که به ما می‌گویند خالقشان بیشتر به گونه‌های «کمدی» و «فانتزی» متمایل است، همان طورکه فیلم نهم نیز در همین گونه‌ها قرار می‌گیرد. عنوان «سمفونی نهم»، جز اینکه جایگاه فیلم را دربین آثار سینمایی این فیلم‌ساز نشان می‌دهد، یادآور آخرین و مشهورترین و شاید برجسته‌ترین اثر لودویگ بتهوون هم هست، اثری ماندگار که مضمون آن زندگی و عشق و مرگ است، همان مضامینی که در فیلم هنرمند نیز در کانون توجه قرار دارند: «سمفونی نهم» داستان یک «ملک‌الموت ساده» (حمید فرخ‌نژاد) است که پس از ۲۶۰۰ سال کاز بازنشسته و بنابر قوانین «آدم» می‌شود. در آغاز فیلم، او را می‌بینیم که درحال امضای کتاب خود، «چگونه ملک‌الموت خوبی باشیم؟»، و شماره دادن به دخترهای جوان با فرشته مرگ دیگری روبه‌رو می‌شود و به یاد خاطرات خود می‌افتد؛ بدین ترتیب، می‌فهمیم که ملک‌الموت فیلم کار خود را در سال ۵۲۹ پیش از میلاد، در جنگ بین سپاهِ کوروشِ بزرگ با برخی از قبایل سکاها، آغاز کرده و قبض‌ِروح شاه هخامنشی را نیز به عهده داشته است. پس از این، با گذشته‌نمایی‌های مکرر و سخنانی که ملک‌الموت بر زبان می‌آورد پی می‌بریم که او همچنین مأمور قبض روح بردیا (پسر کوروش بزرگ و برادر دوقلوی کمبوجیه یا همان کامبیز)، رابعه بلخی (بانوی شاعر قرن چهارم که می‌گویند عاشق غلام خود شده بوده است)، امیرکبیر، آدولف هیتلر و اوا براون (معشوق پیشوا که تادم مرگ همراهش بود)، فروغ فرخزاد، غلامحسین بنان، و حتی عباس کیارستمی بوده است. اما آخرین مأموریت او گرفتن جان راحیل (ساره بیات) بوده است، یک پزشک جراح که در عمل همسر خود، بردیا (محمدرضا فروتن)، موفق نبوده است و پس از مرگ شوهرش فقط می‌خواهد به آخرین خواسته او، یعنی دفن شدن درکنار پدر و مادرش در روستای آباءواجدادی‌شان، عمل کند؛ برای همین جنازه بردیا را از برادر او، کامبیز (محمدرضا فروتن)، که یک سرهنگ نیروی انتظامی است می‌دزدد و روانه «عبدل‌آباد» می‌شود که از روستاهای کرمان و در نزدیکی سیرچ است. در همین مسیر است که ملک‌الموت با راحیل همراه می‌شود و.... همان طورکه آمد، مضمون «سمفونی نهم» زندگی و عشق و مرگ است.

ملک‌الموت فیلم، در آغاز کارِ خود، از آدم‌ها بدش می‌آمده است؛ زیرا می‌دیده است که آن‌ها خصائل نکوهیده فراوانی دارند، ازجمله اینکه بی‌هیچ دلیلی با یکدیگر دشمنی می‌ورزند و حتی جان خود را نیز بر سر این کار می‌نهند، اما وقتی چند تن را که بهره بسیاری از انسانیت دارند و وجودشان آکنده از مهر و عشق به هم نوعانشان است، می‌بیند رفته‌رفته به این موجودات علاقه‌مند می‌شود، تاآنجاکه به زنی چون رابعه که جان خود را در راه عشق ازکف می‌دهد دل می‌بازد، همان طورکه در پایان کار خود عاشق راحیل می‌شود و به همین دلیل در قبض روح او تعلل می‌ورزد. ولی ملک‌الموت باید بی‌طرف بماند؛ او نمی‌تواند جانب کسی را بگیرد؛ اگر هم بخواهد چنین کند، توان دخالت در تقدیر و بودنی کار را ندارد، توان دخل‌وتصرف در تاریخ را ندارد؛ این کار مجاز نیست. همه یک سر پیش مرگْ شکارند. اما این مرگ صرفا نابودی جسم است و خیلی چیزها، ازجمله عشق، با مرگ هم زائل نمی‌شوند؛ بدین سان هر آدمی که حیات جاوید می‌خواهد نیز باید عاشق باشد، عاشق همه هستی. چنین آدمی بد نمی‌گوید و به ناحق میل نمی‌کند و بنابراین از مرگ هم نمی‌هراسد. همین توان اختیارکردنِ عشق است که آدم را بر فرشته برتری می‌بخشد. ملک‌الموت «سمفونی نهم» نیز به این امر پی می‌برد، اما عاشق بودن بهایی سنگین دارد... چنان که خواندید، فیلم هنرمند همچون «سرود شادی»، اثر فریدریش شیلرِ شاعر که در موومان چهارم سمفونی بتهوون آن را می‌شنویم، مضمونی انسانی دارد، اما با تأسف فراوان بایست گفت که این مضمون انسانی قربانی پرداخت بسیار ناشیانه فیلم‌ساز شده است. اثر هنرمند، علاوه بر اینکه بسیار سردستی و سطحی است، به دلیل اشتمال بر مسائل جنسی و کلمات رکیک بسیار زننده که لابد کارگردان به‌قصد خنداندن مخاطب آن‌ها را در کار خود گنجانده است، خیلی هم ناساز و بی‌اندام می‌نماید. اشتباه تاریخی و زبانی هم در «سمفونی نهم» کم نیست، ازجمله اینکه ملک‌الموت خطاب به راحیل می‌گوید رابعه را ۷۰۰ سال پیش ملاقات کرده است (درحالی که در آن تاریخ ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ سال از مرگ او می‌گذرد)، رابعه خطاب به برادرش می‌گوید شعرْ کلام «مخیَّل» است (درحالی که «مخیِّل» صحیح است)، کوروش به اطرافیانش می‌گوید: «سرانجام من نزدیک است»، امیرکبیر به عمال شاه می‌گوید: «... تذکری بود مِن باب مدنیت ایرانیت»! قس علی هذا.

صاحب خبر

سری دوم «خوب بد جلف» در یک قدمی اکران

بهزاد| فیلم کمدی «خوب بد جلف»، اولین تجربه پیمان قاسم‌خانی در حوزه کارگردانی، چه در زمان اکرانش در سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر و چه در اکران عمومی توانست مخاطبان زیادی را با خود همراه کند و به یکی از فیلم‌های پرفروش سینمای ایران تبدیل شود. این فیلم در واقع ادامه سریال محبوب «پژمان» بود؛ سریالی که به شیوه طنز زندگی پژمان جمشیدی، بازیکن فوتبال، را با بازی خود او به تصویر کشیده بود. به گفته جمشیدی، از آنجا که سریال «پژمان» در تلویزیون ساخته شده بود، امکان ساخت ادامه سریال با همین نام در قالب یک فیلم سینمایی وجود نداشته است؛ به همین دلیل فیلم سینمایی که ساخته شد «خوب بد جلف» نام گرفت.

پیمان قاسم‌خانی در فیلم «خوب بد جلف» به ماجرای بازیگر شدن پژمان جمشیدی در کنار روایت زندگی حرفه‌ای سام درخشانی پرداخت. بعد از استقبال خوب مخاطبان از فیلم «خوب بد جلف»، خبرهایی درباره ساخت ادامه این فیلم سینمایی به‌عنوان سریالی در شبکه خانگی به کارگردانی بهروز افخمی منتشر شد، اما در نهایت این اخبار منتفی شد و ساخت قسمت دوم «خوب بد جلف» در قالب فیلم سینمایی و به کارگردانی خود پیمان قاسم‌خانی آغاز شد. قسمت دوم این فیلم «خوب بد جلف: ارتش سری» نام گرفته است و آن‌طور که در اخبار آمده، داستان فیلم قرار است با یک فضای متفاوت به روایت زندگی حرفه‌ای سام و پژمان بپردازد. علاوه بر سام درخشانی، پژمان جمشیدی و امیرمهدی ژوله، در قسمت دوم این فیلم بازیگران جدیدی چون حامد کمیلی، ریحانه پارسا، گوهر خیراندیش و فرهاد آئیش نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند. همچنین از حضور حمید فرخ‌نژاد، یکی از بازیگران اصلی «خوب بد جلف»، در قسمت دوم آن خبری نیست. جدیدترین اخباری که درباره این فیلم منتشر شده است، از صدور پروانه نمایش قسمت دوم «خوب بد جلف» از سوی شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی حکایت دارد. حال باید دید سازندگان این فیلم از «خوب بد جلف: ارتش سری» در جشنواره فیلم فجر رونمایی می‌کنند یا ترجیح می‌دهند این فیلم در فضای بی‌حاشیه اکران عمومی شود.

جدول فروش هفتگی سینما در مشهد

رقابت ۲ فیلم کمدی در صدر

ردیف	نام فیلم	جمع(ریال)
۱	مطرب	۲/۸۷۴/۲۹۰/۰۰۰
۲	چشم و گوش بسته	۱/۰۱۴/۴۷۰/۰۰۰
۳	منطقه پرواز ممنوع	۴۳۷/۶۷۰/۰۰۰
۴	هزارتو	۳۱۸/۸۸۰/۰۰۰
۵	سمفونی‌نهم	۱۴۰/۴۷۰/۰۰۰
۶	ماجرای‌نیمروز؛ردخون	۹۷/۸۷۰/۰۰۰
۷	تورنادو	۸۵/۶۷۰/۰۰۰
۸	مسخره‌باز	۵۵/۱۷۰/۰۰۰
۹	کلوپ همسران	۵۲/۵۶۰/۰۰۰
۱۰	بنیامین	۴۶/۵۵۰/۰۰۰
۱۱	سال دوم دانشکده من	۸/۸۱۰/۰۰۰
۱۲	درخونگاه	۵/۹۱۰/۰۰۰
۱۳	شبی که ماه کامل شد	۵/۷۶۰/۰۰۰
۱۴	تیلی و من	۳/۲۰۰/۰۰۰

نگار راد| براساس آمار فروش سینماهای مشهد در هفته گذشته، فیلم کمدی «مطرب» به کارگردانی مصطفی کیایی نسبت‌به هفته گذشته کاهشی ۱۰۰میلیون تومانی داشته است، با این حال این فیلم همچنان صدرنشین جدول فروش هفتگی سینماهاست. «چشم‌وگوش‌بسته» فرزاد موتمن، دیگر فیلم کمدی روی پرده، همچون هفته گذشته در رده دوم جدول قرار گرفته است. این فیلم هرچند فروش بیشتری از هفته گذشته داشته است، همچنان اختلاف درخورتوجهی با فیلم صدرنشین جدول دارد. در رتبه سوم جدول نیز فیلم کودک‌ونوجوان «منطقه پرواز ممنوع» با بازی هادی حجازی‌فر قرار گرفته است. این فیلم، هفته گذشته در رده پنجم قرار داشت اما با افزایش فروش ۲۳میلیونی توانسته است فیلم‌های «هزارتو» و «کلوپ همسران» را پشت‌سر بگذارد. براساس فروش این هفته سینماهای مشهد، فیلم «هزارتو» از رتبه سوم به چهارم و فیلم «کلوپ همسران» از رتبه پنجم به رتبه نهم سقوط کرده‌اند. رتبه پنجم جدول فروش این هفته نیز از آن فیلم «سمفونی نهم» با بازی ساره بیات، بازیگر مشهدی، است. «سمفونی نهم» در این هفته با افزایش فروش ۴میلیون تومانی روبه‌رو بوده‌است.

تماشاخانه

معرفی ۲ نماینده از مشهد به جشنواره تئاتر فجر

بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر استانی با معرفی برترین‌های خود پایان یافت

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

زوزنی| سالن اصلی تئاتر شهر مشهد عصر پنجشنبه، شاهد حضور گروه‌های مختلف تئاتر از سراسر استان بود؛ گروه‌هایی که برای اختتامیه بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر خراسان رضوی، در مشهد حضور یافته و در انتظار شنیدن آرای هیئت داوران بودند.

درمیان دلهره و شوقی که در چهره همه حاضران در مراسم اختتامیه موج می‌زد، تعدادی از پیش‌کسوتان تئاتر نیز حضور داشتند. همچنین جعفر مروارید، مدیرکل اداره فرهنگ‌وارشاد اسلامی استان، حجت‌الاسلام پژمان‌فر، عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده مردم مشهدوکلات در مجلس شورای اسلامی و حمید نیلی، مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی کشور، از مدعوین این مراسم بودند. در ابتدای برنامه، جمعی از تئاتری‌ها از خانواده شهید مدافع حرم، حسین محرابی، که مراسم افتتاحیه جشنواره هم در منزل او برگزار شد، تجلیل کردند. در ادامه و در خلال مراسم از امین کریمی به‌عنوان آقای تئاتر نیشابور و امیر محاسبتی، پیش‌کسوت مشهدی سینما، تلویزیون و تئاتر، قدردانی شد. با انتخاب هیئت داوران، دو نمایش «آدیداس» و «ژنتیک» برای حضور در جشنواره تئاتر فجر معرفی شدند.

در انتظار جشنواره‌ای باشکوه‌تر

محمدرضا محمدی، معاون امور هنری و سینمایی اداره‌کل ارشاد و دبیر این دوره از جشنواره، در سخنان خود ابراز امیدواری کرد که در سال‌های آینده بتوانند جشنواره‌ای باشکوه‌تر و در حد نام و جایگاه تئاتر خراسان رضوی در کشور برگزار کنند. در ادامه نیز آرش خیرآبادی، رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان، بر تمرکز انجمن متبوعش روی آموزش شهرستان‌ها در دوره مدیریتی جدید اشاره کرد و گفت: ما در این دوره، کاری کردیم که شهرستان‌ها با رشد چشمگیری در جشنواره حضور یابند و سعی کردیم از به هدر رفتن استعداد علاقه‌مندان به تئاتر در شهرستان‌ها بکاهیم.

جشن مشترک‌ها

در پایان، حمید ابراهیمی به‌نمایندگی از هیئت سه‌نفره داوران، که متشکل از او، فریبا متخصص و اتابک نادری بود، در سخنانی کوتاه، دلایل انتخاب برگزیدگان را گفت و پس از آن به معرفی برترین‌ها در هر رشته پرداخت که اغلب انتخاب‌ها، مشترک بود.

در بخش کارگردانی نمایش، پویا غازی برای کارگردانی «آدیداس»، مهسا غفوریان برای کارگردانی «ژنتیک» و علی ایزدپناه برای کارگردانی «نسخه پشتیبان»، به‌ترتیب اول تا سوم شدند. همچنین در بخش نویسندگی، احسان روحی با متن «حادثه در نوسا»، امین رضایی با متن «مکبث»، مهدی ضیاچمنی با متن «آدیداس»، علی ایزدپناه با متن «نسخه پشتیبان» و مهسا غفوریان با متن «ژنتیک»، به‌طور مشترک و بدون اولویت، برترین نویسندگان جشنواره تئاتر استان معرفی شدند. محمد جهان‌پا نیز توانست نظر هیئت داوران را جلب و مقام نخست بازیگری مرد را از آن خود کند. بعد از او در بخش بازیگری مرد، وحید عباسی برای بازی در «مکبث»، دوم و حسین حق‌پرست و مهرداد فلاح برای «نسخه پشتیبان» و «ژنتیک» به‌طور مشترک سوم شدند. هیئت داوران بازیگر زنی را شایسته کسب مقام اول بازیگری زن ندانستند اما برای مقام دوم، مشترکا، مبینا خوشدل و دریا ناجی را برای بازی در نمایش «سرخ‌پوش» معرفی کردند و با نظر آن‌ها، میترا بابایی و محدثه عبداللهی برای «نسخه پشتیبان» و «پرونده عجیب مرگ آقایان ف.الف، عین.الف» به‌طور مشترک سوم شدند. سروش حیدری جایزه طراحی پوستر و بروشور را برد و مرضیه ناجی رتبه برتر طراحی لباس برای نمایش «حادثه در نوسا» کسب کرد. مسعود صفری برای «ناحملط» و مجید بخششیان برای «سرخ‌پوش» به‌طور مشترک جایزه بهترین طراح صحنه را گرفتند و در بخش موسیقی نیز سه اثر «ناحملط»، «آوات» و «دور سه‌فرمون روی ماری» به ترتیب اول تا سوم شدند.

مروری بر جشنواره

اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ در استان خراسان رضوی نمایندگان شهرهایی همچون تربت‌حیدریه، سبزوار یا نیشابور در جشنواره فجر حضورداشتند، اما در سال‌های اخیر این افتخار نصیب هنرمندان مشهدی شده است.

امسال هم از میان ۱۴۵ درخواست حضور در بیست‌ونهمین دوره جشنواره تئاتر خراسان‌رضوی، در مدت مشخص‌شده ۱۲۹ متن به دبیرخانه این جشنواره ارسال شد که از میان آن‌ها حدود ۸۷ متن نمایش‌نامه برای بازبینی پذیرفته شد. از آن تعداد ۵۶ نمایش‌نامه از شهرستان‌هایی همچون سبزوار، خواف، نیشابور، گناباد، فریمان، تربت‌جام و کاشمر و ۳۱ نمایش‌نامه دیگر از شهرستان مشهد از سوی سیدحجت طباطبایی، علی حاتمی‌نژاد و سیدمحمد مداح‌حسینی بازبینی شدند. در نهایت ۱۴ اثر با هم به رقابت پرداختند و یک اثر (شاه‌شکار، برگزیده جشنواره منطقه‌ای میثاق) به عنوان میهمان در جشنواره استانی (۲۷ تا ۳۰ آبان ماه) اجرا شدند.

تماشاخانه‌های هنرهای زیبا، خورشید، اشراق، بهار و سالن اصلی تئاتر شهر در این دوره میزبان جشنواره بودند که از این میان هنرهای زیبا و خورشید برای نخستین‌بار میزبانی جشنواره تئاتر استانی را تجربه کردند.

جشنواره‌ها، تئاتری‌ها را به راه اشتباه می‌برند

گفت‌وگوی کوتاه با بازیگر پیش‌کسوت تئاتر

علیرضا سوزنچی، بازیگر پیش‌کسوت مشهدی که در حاشیه اختتامیه جشنواره تئاتر خراسان رضوی با شهرآرا گفت‌وگو کرد، توصیه‌هایی برای جوان‌ها و تازه‌واردان عرصه تئاتر داشت. او که سوز صدایش نشان می‌داد دلش برای تئاتر می‌تپد و نگران است که با سهل‌انگاری جوان‌ها چراغ تئاتر کم‌سو شود: «خوشحالم که نسل جوان وارد تئاتر شده‌اند و مشغول فعالیت هستند ولی گاهی‌وقت‌ها آن‌ها دست به کارهایی می‌زنند که فقط خودشان می‌فهمند. اصلا تماشاگر را درنظر نمی‌گیرند. این موضوع به‌مرور تماشاگر را دلزده می‌کند. برای اینکه سالن‌های تئاتر در مشهد پر شود و مخاطب به تئاتر روی بیاورد، زحمت فراوانی کشیده شده است، پس باید به‌گونه‌ای کار کنیم که آن‌ها با نمایش، ارتباط برقرار کنند و دلزده نشوند. همان‌طور که من و هم‌دوره‌هایم در گذشته تلاش کردیم آثاری تولید کنیم که مخاطب را با خود همراه کند و او را به سالن نمایش بکشاند.» به نظر این پیش‌کسوت تئاتر، نارضایتی مخاطب از یک اثر نمایشی می‌تواند به کلیت «رابطه مخاطب با تئاتر» ضربه بزند: «وقتی یک تماشاگر با اثری ارتباط برقرار نکند، دوباره برای دیدن تئاتر به سالن نمی‌آید اما وقتی از کار کارگردان یا بازیگری خوشش بیاید، پیگیر کارهای بعدی وی هم خواهد بود.» سوزنچی به جشنواره‌های تئاتر هم نقدی وارد کرد و گفت که این جشنواره‌ها، تئاتری‌ها را به راه اشتباه می‌برند: «همین که هنرمندی یک جایزه کوچک می‌گیرد، دیگر خدا را بنده نیست و حاضر نیست پشت‌سرش را نگاه کند. این چراغ تئاتر که روشن مانده و به دست جوان‌ها رسیده، به همت و تلاش و ازخودگذشتگی قبلی‌ها بوده است، حالا نوبت جوان‌هاست که این چراغ را برای آیندگان روشن نگه دارند.»

هنر شهری

بازگشت خلاقیت به شهر

بخش دانشگاهی جشنواره «خانه بهار» با همکاری دانشگاه‌های هنر کشور پیگیری می‌شود

عکس: جواد کرمانی | شهرآرا

شکیبا افخمی‌راد| امسال علاوه‌بر وجود بخش‌های اصلی جشنواره خانه بهار که شامل هنرهای نمایشی، یادمان‌های شهری، آذین‌بندی، گرافیک شهری و دیوارنگاری است، بخش دانشگاهی نیز برای اولین‌بار ویژه دانشجویان کل کشور ایجاد شده است. این بخش با هدف بهره‌گیری از ظرفیت فضای دانشگاهی هنر در کشور برای ارائه طرح‌های خلاقانه ایجاد شده است و به ارائه طرح‌هایی در قالب پروژه‌های دانشجویی در سه محور «آذین‌بندی و تزئینات شهری» «نقاشی‌دیواری» و «گرافیک» اختصاص دارد. باتوجه‌به نو بودن این بخش، پنجشنبه ۳۰ آبان، جلسه‌ای برای تبیین بخش دانشگاهی خانه بهار ۹۹ با حضور صدرا یوسفی، دبیر جشنواره و رئیس اداره هنری سازمان فرهنگی‌اجتماعی شهرداری، و علیرضا شیخی، استادیار دانشگاه هنر و دبیر بخش دانشگاهی و همچنین جمعی از استادان دانشگاه‌های هنر استان برگزار شد.

از بین بردن تکرار

در ابتدای جلسه، صدرا یوسفی درباره دلایل ایجاد این بخش در جشنواره خانه بهار گفت: تکراری بودن موضوعات و پیشنهادها در جشنواره سال‌های قبل باعث شد ما دانشگاه را با جشنواره خانه بهار و به‌طور گسترده‌تر با هنر شهری گره بزنیم. تکرار باعث می‌شود فضای خلاقانه موردنیاز هنرهای شهری برای ایجاد تغییر در شهر، دچار فرسایش شود. به‌گفته او فضای دانشگاهی سرشار از خلاقیت و نوآوری است و می‌تواند حداقل‌های کیفیت ارائه یک اثر را در هر جشنواره‌ای فراهم کند. یوسفی با اشاره به همکاری شکل‌گرفته میان دانشگاه هنر و شهرداری مشهد، از این اتفاق به‌عنوان انگیزه‌ای دیگر برای ایجاد بخش دانشگاهی در خانه بهار یاد کرد. دبیر جشنواره همچنین با تاکید بر ضرورت کاربردی شدن علمی که در دانشگاه تدریس می‌شود، ابراز امیدواری کرد خروجی بخش دانشگاهی جشنواره امسال، باعث شود هر سال وزن بیشتری از فعالیت‌های جشنواره به‌سمت دانشگاه‌ها سوق پیدا کنند.

۳ محور اصلی بخش دانشگاهی

در ادامه این جلسه علیرضا شیخی، دبیر بخش دانشگاهی، ضمن اشاره به همکاری چند دانشگاه کشور با جشنواره، جزئیاتی را درباره نحوه برگزاری این بخش بیان کرد. به‌گفته او، «آذین‌بندی و تزئینات شهری»، «نقاشی‌دیواری» و «گرافیک»، سه محور درنظر گرفته‌شده برای بخش دانشگاهی است و متقاضیان شرکت در این بخش‌ها، باید در قالب گروهی (حداقل سه دانشجو به‌همراه یک استادراهنما) طرح‌هایشان را ارائه کنند. بر این اساس برای پروژه‌های طراحی آذین‌بندی، خیابان کوهسنگی (میدان شریعتی تا کوهسنگی) با موضوع «طبیعت و جلوه‌های بهاری»، بولوار وکیل‌آباد (میدان آزادی تا پل مهندس پرتوی) با موضوع «نوروز و آیین‌های نوروزی» و نشاط عیدانه و همچنین محورهای منتهی به حرم مطهر رضوی با موضوع «ارتقای هویت دینی» درنظر گرفته شده‌اند. در بخش نقاشی‌دیواری نیز خیابان بهار (میدان شریعتی تا میدان بسیج) به‌عنوان مکانی برای ایده‌پردازی و بازپیرایی تیم‌های دانشجویی با محوریت استفاده از ظرفیت محتوایی مفاخر فرهنگی و ادبی مشهد انتخاب شده است.

بخش گرافیک نیز بیشتر به طراحی کارت‌پستال‌هایی درقالب عید نوروز اختصاص دارد. این کارت‌پستال‌ها در اندازه‌های بزرگ بر روی بیلبوردهای شهر نصب می‌شوند. به‌گفته شیخی، تمام آثار بخش دانشگاهی درقالب آثار موقت هستند ولی اگر کاری در حد و اندازه کارهای دائمی مطرح شود، با نظر هیئت داوران می‌تواند درقالب اثری دائم ارائه شود. همچنین به طرح‌های برگزیده در این رویداد، ۸میلیون تومان (۶میلیون به تیم ارائه‌کننده و ۲میلیون به استادراهنما) اهدا خواهد شد. لازم به ذکر است آخرین مهلت ارسال آثار، پیش از این ۱۴آذر اعلام شده بود اما بنا به گفته مسئولان برگزاری جشنواره، این زمان حداقل یک ماه تمدید خواهد شد.

رویداد

بیانیه جمعی از هنرمندان تئاتر خراسان رضوی در محکومیت آشوب و اغتشاش

اهالی هنرهای نمایشی خراسان رضوی در بیانیه‌ای، آشوب و اغتشاش را محکوم و مسئولان را به تدبیر امور دعوت کردند: «اعتراض مسالمت‌آمیز و قانونی حق مسلم هر شهروند ایرانی است، اما زمانی که این اعتراض به خود بار خشونت بگیرد، تبدیل به اغتشاش می‌شود.

اغتشاش و آشوب، اعتراض مسالمت‌آمیز را در نطفه خفه می‌کند و تبدیل به هرج‌ومرجی می‌شود که امنیت کشور را خدشه‌دار می‌سازد. ما، جمعی از هنرمندان تئاتر مشهد و خراسان رضوی هر اقدامی که منجر به برهم خوردن نظم عمومی، آسیب رساندن به اموال عمومی و امنیت پایدار کشور گردد را محکوم می‌کنیم اما درعین‌حال بر این باور هم هستیم که باتوجه‌به شرایط نامطلوب اقتصادی عموم مردم، این‌بار مسئولان باید جدی‌تر از همیشه با تمام قوا درجهت رفع این مهم از تمام ظرفیت‌های کشور استفاده کرده، گره از کار مردم باز کنند و خادمانه به مردم صبور و نجیب ایران اسلامی‌مان، خدمت مضاعف نمایند.»

در قاب تلویزیون

سینمای دفاع مقدس در شبکه نمایش سیما

هنری| این هفته، هم‌زمان با سالروز صدور فرمان تاریخی امام‌خمینی(ره) درباره تاسیس بسیج مستضعفان، شبکه «نمایش» هفت فیلم سینمایی را با موضوع دفاع مقدس برای پاسداشت هفته بسیج روی آنتن می‌برد.

«مهاجر» به‌کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، «نجات‌یافتگان» به‌کارگردانی رسول ملاقلی‌پور، «لیلی با من است» از ساخته‌های کمال تبریزی، «شیار ۱۴۳» به‌کارگردانی نرگس آبیار، «جنگ نفتکش‌ها» از ساخته‌های محمد بزرگ‌نیا، «تنگه ابوقریب» به‌کارگردانی بهرام توکلی و «اخراجی‌های یک» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی، هفت فیلمی هستند که به‌ترتیب از امروز ۲آذر تا جمعه ۸آذر هر شب ساعت ۲۱ از شبکه نمایش پخش خواهند شد.

بازپخش این فیلم‌های سینمایی، ساعت ۳ بامداد و ۸صبح روز بعد روی آنتن این شبکه خواهد رفت.